

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



قصه های سرزمین اشباح

همدان شب

دارن شان ◀ ترجمه فرزانه کریمی





آوردیلی پست^۱، ۱۵ سپتامبر^۲

شب‌های خونین مرگ

شهر، که روزگاری در آرامش به سر می‌برد، تحت فشار است. در شش ماه گذشته، یازده نفر به شکل وحشیانه‌ای به قتل رسیده‌اند - خون قربانیان را از بدنشان بیرون کشیده و جسدشان را در مکان‌های عمومی گوناگون رها کرده‌اند. بسیاری دیگر نیز در تاریکی شب ناپدید شده‌اند، که ممکن است اجساد بی‌جان‌شان گوشه خیابان‌ها افتاده و در تاریکی و تنهایی، در حال تجزیه شدن باشند.

مقامات رسمی نمی‌توانند این کشتارهای

1. Our Daily Post

۲. ۱۱ شهریور برابر اول سپتامبر - م.

لگام‌گسیخته و بی‌رحمانه را توجیه کنند. آنها باور ندارند که قتل‌ها کار یک نفر باشد، و همچنین نمی‌توانند این جنایت‌ها را به هیچ‌یک از جانین شناخته شده نسبت دهند. طی بزرگ‌ترین عملیات پلیسی در تاریخ شهر، اکثر شبکه‌های جنایتکاری محلی متلاشی شدند، رهبران گروه‌های فرقه‌ای بازداشت شدند، و انجمن‌های مذهبی و گروه‌های سرّی تعطیل شدند... تا امکان مداخله هرگونه از این عوامل خنثی شود!

صراحت مرسوم

سربازرس پلیس، آلیس برجس^۱، وقتی در مورد بی‌نتیجه بودن اقدامات جاری مورد سؤال قرار گرفت، با همان صراحت مرسوم و همیشگی خود پاسخ داد: «ما مثل سگ کار کرده‌ایم.» او فریاد کشید: «همه افراد پلیس مشغول اضافه‌کاری بدون مزد و مواجب‌اند. هیچ‌کس سلب مسئولیت نمی‌کند. ما گروه‌گروه در خیابان‌ها گشت می‌زنیم و هر مظنونی را بازداشت می‌کنیم. ما رفت‌وآمد کودکان در خیابان‌ها را از ۷ بعدازظهر ممنوع، و به بزرگ‌ترها نیز توسیه کرده‌ایم که داخل خانه‌شان بمانند. اگر کسی را پیدا کردید که کار بهتری از دستش برمی‌آید، به

1. Alice Burgess

من زنگ بزنید تا با خوشحالی کنار بکشم.» حرف‌های آرامش‌بخشی است - اما در اینجا هیچ‌کس از شنیدن آنها احساس آرامش نمی‌کند. شهروندان از وعده و وعیدها خسته شده‌اند. هیچ‌کس نسبت به تلاش‌های صادقانه و پیگیر پلیس محلی - یا نیروهای نظامی که برای همکاری در عملیات فراخوانده شده‌اند - تردید ندارد. اما اعتماد مردم به توانایی آنها در پایان بخشیدن به این بحران، لحظه‌به‌لحظه ضعیف‌تر می‌شود. بسیاری از اهالی، شهر را ترک می‌کنند و تصمیم دارند که تا پایان یافتن این کشتارها در کنار بستگان‌شان یا در هتل‌ها به سر برند.

مایکل کوربت^۱، چهل و شش ساله و صاحب مغازه دست‌دوم‌فروشی، به ما گفت: «من بچه دارم. فرار کردن هیچ برایم غرورآمیز نیست، و تازه، کاسبی‌ام را از بین می‌برد. اما زندگی همسر و فرزندانم از هر چیزی برایم مهم‌تر است. پلیس کاری بیشتر از آنچه سیزده سال پیش انجام داد، از دستش بر نمی‌آید. مثل دفعه پیش، ما فقط باید منتظر بمانیم تا این بحران بگذرد. وقتی اوضاع درست بشود، من برمی‌گردم. تا آن موقع، به نظر

1. Michael Corbett

من، هرکس اینجا بماند، احمق است.»

پیشینه مرگ

وقتی آقای کوربت از گذشته حرف می‌زند، به زمانی حدود سیزده سال پیش اشاره می‌کند که وحشتی مشابه شهر را دربرگرفته بود. در آن زمان، دو نوجوان نه جسد را پیدا کردند که قصابی شده بودند و، مثل یازده قربانی اخیر، خونشان را به کلی بیرون کشیده بودند.

اما آن اجساد به دقت مخفی شده بودند، و مدت‌ها بعد از مرگ، کشف و از زیر زمین بیرون آورده شدند. در مورد اجساد این روزها - یا بهتر بگوییم، اجساد این شب‌های اخیر، چون همه مقتولین بعد از غروب آفتاب به دام افتاده‌اند - هیچ تلاشی نشده است تا مدارک و آثار این عمل فجیع از نظر پنهان شود. رها کردن اجساد در مکان‌هایی که می‌دانند کشف خواهند شد، حکایت از آن دارد که گویی عاملان این جنایت به سنگدلی خود افتخار می‌کنند.

بسیاری از اهالی معتقدند که شهر نفرین شده است و پیشینه مرگ دارد. دکتر کویین بیستی^۱، یکی از تاریخ‌شناسان محلی و متخصص علوم خفیه،

1. Kevin Beisty

گفت: «من از پنجاه سال پیش انتظار چنین قتل‌هایی را داشتم. بیش از یکصد و پنجاه سال پیش، اشباح به این شهر می‌آمده‌اند، و نکته قابل توجه در مورد آنها این است که وقتی از جایی خوششان می‌آید - همیشه به آنجا برمی‌گردند!»

شیاطین شب

اشباح. اگر نظر دکتر بیستی تنها فریاد علیه شیاطین شب بود، او را همچون فردی خرافاتی نادیده می‌گرفتند. اما بسیاری از افراد دیگر نیز معتقدند که ما از آزار و مزاحمت اشباح رنج می‌بریم. آنها به این نکات اشاره می‌کنند که حمله‌ها همیشه شب‌ها رخ می‌دهند، و خون اجساد - ظاهراً بدون استفاده از هیچ‌گونه تجهیزات پزشکی - کشیده شده است. همچنین گفته می‌شود که اگرچه دوربین‌های مخفی سازمان‌های امنیتی تصویر سه نفر از قربانیان را هنگام ربوده شدن گرفته‌اند، اما چهره مهاجمان آنها روی فیلم ثبت نشده است!

سربازرس آلیس برجس به نظریه اشباح اعتنایی ندارد. او با خنده تحقیق‌آمیزی گفت: «شما فکر می‌کنید که جناب دراکولا^۱ شورش کرده است؟ حرف‌های خنده‌دار ننزید! ما در قرن بیست و یکم

1. Dracula